

# تاریخچه‌ی عکاسی سقز

آزاد کریمی

در سال ۱۸۴۴ میلادی کسی فکر نمی کرد که این جعبه ( دوربین عکاسی ) بیرون از دربار قجری تا اقصا نقاط سر حدات کشور با نگاه جادویی و گزارشگرش لحظاتی را ثبت کند که تصاویر مستندی از اوضاع و احوال زمانه‌ی خود باشند و در دو قرن پس از خود در عصر تکنولوژی هسته‌ای و اکتشافات فضایی به مثابه‌ی اسناد غیر قابل انکار و قابل اعتمادی برای اثبات هویت گروه‌های مردمی در این کشور پهناور به کار آیند .



دو بانوی یهودی

دوربین عکاسی تا پایان قرن نوزدهم میلادی به میان قبایل و عشایر مهجور در کوهستان های یاغی و پربرف و اجتماعات پراکنده در دشت های تب دار و ترک خورده ی مرکز و سواحل دریای شمال و جنوب ایران راه یافت . خارجی ها آورنده ی این پدیده ی مدرن بودند ، آنها دوربین به دست از

شاه و گدا ، ارباب و رعیت ، سران عشایر ، محکومین و ... عکس می گرفتند با این حال در ایران مردان هرگز راضی به این امر نبودند که زنان ، مادران ، خواهران و متعلقاتشان جلو دوربین های اجنبی بروند و عکس بگیرند . دربار سلطنتی دارای دوربین عکاسی و عکاسی مخصص بود ، همانطور که گفته شد اتباع خارجی مقیم ایران و میسیونرهای مسیحی آمریکایی ، آلمانی ، فرانسوی و غیره نیز این امکان را داشتند که از اماکن و ابنیه و مناظر طبیعی و جغرافیایی و همچنین مردان و بعداً زنان تصاویری را ثبت کنند و اولین عکسهای تاریخ عکاسی ایران را پدید آورند که عکاس مشهور روس آنتون سریوگین از آن جمله است . البته لازم به ذکر است که عکاسی در مناطق غربی و شمال غرب به علت تمرکز اجتماعات اقلیت های دینی مانند یهودی ها ، ارمنی ها و آشوری های مسیحی در ارومیه ، سنندج ، کرمانشاه و تبریز و حضور دفاتر نمایندگان مذهبی مسیحی در این شهرها کمابیش همزمان با پایتخت (تهران) آغاز شده است . گرچه خارجیان هنر عکاسی را به کردها نیاموختند اما هر چه باشد این دیده ی جالب و عالی مدرن را به مناطق سرد کوهستانی کردستان آوردند و توانستند سران عشایر کرد را که در دو سوی خطوط مرزی ایران - عثمانی برای ادامه ی حیات خانواده ی چند همسری و کثیر الاولاد خود وامرار معاش سایر افراد عشیره به پرورش دام و کشاورزی اشتغال داشتند به جلو دوربین عکاسی بیاورند و از آن ها تصاویری ماندگار ثبت کنند . به یمن وجود همین عکاسان خارجی ما می توانیم تصاویری از افراد مشهور قرن گذشته را روی میز کار ، آلبوم و کتاب های تاریخی ، آلبوم و کتاب های تاریخی ، و یا مجلات ایرانی و حتی خارجی داشته باشیم برای نمونه عکسی از آقای حسن جوانمردی رئیس ایل "گه ورک" که در یک مجله ی آمریکایی به نام (Time) است. (۳) مولفین و محققین ایرانی ، عرب ، ترک و اروپایی و آمریکایی در کتاب های خود که مربوط به تاریخ و فرهنگ کردستان می باشد از این عکسها استفاده ی شایانی کرده اند مثلاً "واسیلی نیکیتین" محقق شهیر و کرد شناس روس که در سال های جنگ جهانی اول در کردستان اقامت داشته عکس های منحصر به فردی از کردهای ایران را در کتاب خود آورده که سوژه های متعدد و قابل توجهی دارند مثلاً کردهای مسیحی "سلیمان خان زرزا" "کریم خان هرکی" ، "اسماعیل آغای شکاک" (سمکو) ، "حزنی" شاعر معروف و ... (۴) این عکس های زیبا و تاریخی علاوه بر قدمت ، فرصتی فراهم می آورد تا در زمینه ی مردم شناسی تحقیقات دقیق تر و به همان اندازه قضاوت صحیح تری صورت پذیرد . نیمه ی دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دوره ی اقتدار و نفوذ مشایخ و سادات به عنوان رهبر معنوی و تا حدی دنیوی رعایا و جوامع روستایی و نیمه روستایی یا بهتر است بگوئیم نیمه شهری کردستان می باشد . مشایخ و رهبران طریقت قادری و نقشبندی به این پدیده (عکاسی) چندان روی خوش نشان ندادند و به همین سبب تصاویری از مشایخ و سادات قرن نوزدهم در کردستان - بجز یکی دو مورد - در دست نیست . قدیمی ترین عکس ها از

مشایخ کردستان مربوط به اوایل جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ م و تصویری از "شیخ بابا سعید" و "شیخ شمس الدین برهانی" می باشد که به دست سربازان مهاجم و اشغالگر عثمانی در روستای غوث آباد مکریان کشته شد (۵) عکس دیگری که مربوط به "شیخ احمد قادری" است که در زمان "کریم خان اختیار الدینی" حاکم بانه" برداشته شده است. عکس های دیگر مثلا از "شیخ حسام الدین نقشبندی" ، "شیخ محمود برزنجی" و دیگران مربوط به سالهای اولیه قرن بیستم و مخصوصا بعد از جنگ جهانی اول است. در این دوره چهره ی عشایر و سران آنها به تعداد زیادی به تصویر کشیده شده اند برای نمونه از افراد ایل " فیض الله بیگی" ایل " دبوکری" (۶) ، ایل گلباغی" (۷) و "منمی" (۸) عکسهای زیادی در دست است. از سوی دیگر عکاسان زیادی که از دار الحکومه و منسوبین دولتی بودند به مناسبت های رسمی و به همراه هیات های دولتی به ولایات و بلاد تابعه سفر می کردند ، از محترمین شهری و بازاری و معتمدین حکومتی و حکام عکس می گرفتند. مثلا عکس هایی که در آرشیو کاخ گلستان در تهران نگهداری می شوند و در بر گیرنده ی تصاویر از اقبال بالای حکومتی و صنفی مناطق مختلف کردستان می باشد ، از این دست عکس ها هستند .



جمعی از اعیان و معتمدین سقز

برای نمونه یک عکس منحصر به فرد از "مجید خان اردلان" حاکم سقز و پسر ارشدش "سیف الدین خان" به همراه جمعی از رجال بلند پایه دینی و حکومتی و صنفی در سقز موجود است که حداقل به ۱۵ تا ۲۰ سال قبل از انقلاب مشروطه (۱۹۰۶م) تعلق دارد. پس از اتمام جنگ جهانی اول (۱۹۱۹م) و پایان سلطه ی قجری و روی کار آمدن سلسله ی پهلوی (۱۹۲۵م) قیامهای عشایر کرد در هم شکسته شدند ، "سمکو" ، "اقبال السلطنه ماکویی" ، "حبیب الله خان منمی" ، " سردار رشید" ، " جافر

سلطان“ و “قدم خیر خانم لک“ سران این قیام های عشایری بودند ، رضا شاه پهلوی با فارغ شدن از سرکوب این عشایر که با همکاری و مساعدت دیگر عشایر منطقه صورت پذیرفت سیاست “تخته قاپو“ کردن یا اسکان عشایر در شهرها را اعمال کرد . سران عشایر سر سپرده که عامل سرکوب دیگر عشایر ناراضی در کردستان بودند در شهرها با کسب عناوین و القاب حکومتی واحکام صادره از سوی دولت مرکزی (تهران) مصدر امور شدند . همزمان در این دوره فرمان کشف حجاب و پوشش یکدست برای تمام آحاد مردم صادر شد . سربازگیری از دیگر تحولات این دوره بود ، عکاسان در این دوره با فراغ بال تصاویر متعددی را با مضامینی همچون سفر “رضا شاه“ به منطقه ، افتتاح جمعیت شیر و خورشید، افتتاح دخانیات و دیگر اماکن عکاسی کردند . در این زمان “پرویز خان ارمنی“ از مسیحیان آذربایجان و ساکن شهر سقز عکس های متعددی را با سوژه های مختلف ثبت نمود ، در این عکس ها زنان حضور زیادی دارند ، زنانی که بی حجاب هستند و همراه همسران خود در جلو دوربین ظاهر شده اند ، البته زنان بومی بسیار دیرتر از این دوره در عکس ها دیده می شوند ، عرف اجتماعی، زنان را از حضور بی پروا و آزاد در مقابل دوربین باز می داشت ، زنانی که با سر و روی باز در جلوی دوربین ایشان نشستند و عکس گرفتند کارمندان دولتی غیر بومی بودند و به ندرت بانویی سقزی را در میان آنان می بینیم حتی در زمان کشف حجاب در عکسی که از سقز گرفته شده چند زن کرد را می بینیم که محجبه هستند و از روی پوشش ظاهری آنها می توانیم قضاوت کنیم که از یهودیان هستند .



کاروانسرای اتحاد سقز

"پرویز خان" از رجال مذهبی و صنفی و حکومتی سقز تصاویر زیادی را برای ما بر جای گذاشته است: عکسی منحصر به فرد از "شیخ رئوف ضیایی" (خزانه دار کل ایران در دهه ی سی شمسی) و مجموعه ی دیگری از عکس های قدیمی سقز با دوربین او برداشته شده اند ، لازم به ذکر است که مسیحیان (ارمنی و نستوری) در کردستان جزو اولین ایرانی هایی بودند که از اتباع خارجی ساکن در کشور هنر عکاسی را آموختند و "پرویز خان" یکی از این افراد بود ، مشارالیه در سالهای جنگ جهانی دوم مقیم سقز بود و عکسهایی را از افسران بلند پایه دولتی و سران عشایر موافق و مخالف دولت به تصویر کشید و به این دلیل که مورد تائید فرمانده ی پادگان سقز بود توانست در سحرگاه روزی که هفت نفر از سران عشایر سقز را که به اتهام همکاری با جمهوری کردستان که در مهاباد و شهرهای اطراف آن برپا شده بود اعدام کردند، عکسی از اجساد بی جان آنها که از دار اوخته شده بودند تهیه کند که در چندین کتاب تحقیقی و تاریخی مربوط به آن دوره چاپ شده است. (۹) نامبرده که در محل کنونی عکاسی مهتاب ، عکاسخانه ای دایر نموده بود ، در همان سالها سقز را ترک کرد اما در همان دوره "داوود عکاس" که از کلیمیان سقز بود در طبقه ی دوم کاروانسرای "تازه وانچی" (سرای اتحاد) عکاسخانه داشت. "داوود" از جوانان سقزی علاقمند به این هنر بود او در فاصله سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۱ توانست عکس های منحصر به فردی از عشایر سقز ، مراسم و مناسبت های دولتی مانند رژه پیش آهنگی و مضامین دیگر را تهیه کند . در سال ۱۹۵۰ داوود عکاس از سقز رفت و به اسرائیل مهاجرت کرد . اما دوربین و دیگر وسائل مورد نیاز عکاسی را به آقای "حسین عطایی" فروخت . آقای عطایی تا سال ۱۹۶۱ در همان جا (طبقه ی دوم سرای اتحاد) مغازه ی عکاسی داشت . در این زمان آقای "اسماعیل خان فرخی" که از بوکان آمده بود در مکان کنونی داروخانه اعتمادپور در میدان انقلاب (هملو) عکاسخانه اش را افتتاح نمود اما زیاد دوام نیاورد و کارش به تعطیلی کشید (۱۹۶۴) بعدها آقای "عباس خان فرخی" که فرزند ایشان بود به مدت محدودی مغازه ی عکاسی اش را دایر نمود اما او هم دوام نیاورد و عکاسی اش را تعطیل کرد .

از سال ۱۹۶۳ شمسی دوران طلایی عکاسی سقز آغاز می شود ، "سید امیر تهامی" آغازگر این دوره ی شکوفاست . او که در دوره ی نوجوانی به عکاسی علاقمند می شود با یک دوربین ابتدایی و ساده با مارک (Box) که در سنج به قیمت ۱۵ تومان خریداری شده بود به صورت آماتور شروع به تصویر برداری از مناظر طبیعی نمود او به توصیه ی یکی از دوستان تبریزی اش که از خانواده ی هنرمندی بود اقدام به تاسیس عکاسخانه نمود و نام آنرا عکاسی "پریسا" گذاشت . عکس های "تهامی" از مضامین متنوع و ناتورالیستی برخوردار است . علاوه بر این عکس های او رنگ و بوی ژورنالیستی هم داشت . ثبت لحظات، فصول ، باغها و بستانهایی که اکنون اثری از آنها باقی نمانده

، افرادی بسیار عادی از اقشار مختلف مردم و حتی فرودستان (گداها) بدون دریافت کمترین مزدی از یادگارهای این دوره از عکاسی سقز است.



حاجی شجیع- عکاس پرویز خان

در سال ۱۹۷۵ عکاسی توسط مرحوم "مظفر ضمیران" خریداری شد و از آن زمان تا سال ۲۰۰۵ که قریب به ده سال از مرگ ایشان می گذرد "پریسا" همچنان پابرجاست و امورات آن را به صورت نیمه وقت آقای "خالد رحیم پور" انجام می دهد. آقای "تهامی" پس از واگذاری آن به مرحوم "ضمیران"، دوباره اقدام به برپایی عکاسخانه ی دیگری به نام تهامی که بعداً به "آروین" تبدیل شد، در مجاورت حسینیه ی سقز نمود از دیگر اقدامات نامبرده تلاش برای ایجاد سندیکای عکاسان این شهر است. فرماندار وقت (۱۹۸۱) از این طرح پشتیبانی نمود و در آن سال اتحادیه ی عکاسان در این شهر آغاز به کار کرد، از فعالیتهای دیگر عکاسی می توان به حضور عکاسان سیار در پارکها، باغها و تفریحگاههای سقز از قدیم تا بحال نام برد، آنها ابتدا با همان دوربین هایی که

عکس سیاه و سفید می گرفتند در "سهیرگا"، پل سقز (پل قدیمی بر روی رودخانه ی سقز که در سال ۱۹۳۹ توسط چکسلواکی ساخته شد)، پارک کودک (۱۹۶۴م) و پارک شهر (۱۹۷۲م) و مخصوصاً روزهای تعطیل حضور داشتند و عکاسی می کردند، با آمدن دوربین های "پولاروید" که عکس های رنگی فوری می گرفتند طرفدارن این نوع عکس ها بیشتر شد اگرچه در عکاسخانه ها تصاویر روتوش شده سیاه و سفید همچنان بازار گرمی داشتند و اصولاً نوع پرسنلی آن که برای امور اداری و تحصیلی کاربرد فراوانی داشتند. در سال ۱۹۶۸ دو برادر ارمنی که اهل میاندواب بودند در محل کنونی عکاسی "برادران" مغازه ی خود را با نام "برادران آلفیان" افتتاح کردند .

"رازمیک" و "خاجیک" پس از دو سال مغازه ی خود را با دوربین و تجهیزات به آقای "سید محمد وفاییان" واگذار نمودند. ایشان هم در اوایل دهه ی هفتاد میلادی مغازه اش را فروخت ، البته عکاسی برادران هنوز هم دایر است که مدیریت آن را آقای "احمد مراد خانی" به عهده دارند .

از اواسط دوره ی 50 عکاسی های دیگری آغاز به کار کردند ، پس از انقلاب فیلم های رنگی معمولی به بازار آمدند. بازار این عکس ها هم با توجه به کیفیت عالی و رنگ که عامل اصلی جذابیت این نوع عکس بود در ایران گرم شد . در این دوره فیلم ها و تلوزیون ها هم رنگی شده بودند و به اصطلاح دیدن تصاویر رنگی از هر نوعی که باشد مرسوم شده بود . در سقز هم مردم تصاویر رنگی را کمابیش می دیدند اما برای دیدن عکس رنگی خود باید مدت دو هفته را صبر پیشه می کردند تا عکسی را که مثلاً در عکاسی مهتاب گرفته شده پس بگیرند . ماجرا از این قرار بود که لابراتوارهای چاپ عکس رنگی تنها در شهرهای بزرگی مانند تهران و تبریز وجود داشتند و می بایست نگاتیوها را به تبریز می فرستادند تا عملیات ظهور و چاپ روی آنها انجام شود . با آمدن این سبک عکاسی ، کم کم بازار عکس های سیاه و سفید روتوش خورده و یا عکس های فوری رنگی از رونق افتادند . لزوم ایجاد لابراتوار عکس رنگی احساس می شد تا اینکه آقای " هیوا زمانه سازی" این اقدام را به عمل آورد و در سال ۱۹۸۷ لابراتوار چاپ عکس رنگی فوجی ( fuji ) را در همان مغازه ای که سالها قبل آقای " اسماعیل فرخی " داشت ، دایر نمود. در سالهای اخیر بر تعداد این لابراتوارها افزوده شده است. تحول دیگری در این حرفه ی هنری ، عکاسی دیجیتالی است ، در این نوع تصویر برداری کار ظهور و چاپ را کامپیوتر انجام می دهد . اکنون اکثر عکاسی ها نه تنها در سقز بلکه در شهرهای دیگر برای چاپ عکس پرسنلی از این تکنیک بهره می برند البته استفاده از "فتوشاپ" برای اصلاح لک ها و معایب احتمالی دیگر نیز در کنار عکاسی باب شده است .

لازم به ذکر است افرادی مانند آقایان ، “عزت بانه ای” ، “محمد عطایی” ، “سفیدگر” ، “مرحوم آراز زمانه سازی” ، “برادران عبادی” ، “برادران جهان افروز” ، “برادران باژیان” از عکاسان با سابقه ی سقزی هستند اکنون در هنرستان کار و دانش “دکتر حسابی” رشته ی عکاسی در مقطع متوسطه توسط آقای “سلیمان محمودی” به صورت آکادمیک بنیانگذاری شده است. “سلیمان محمودی” فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته ی عکاسی از دانشگاه تهران ، مدرس عکاسی هیئت علمی دانشگاه های هنر تبریز ، برنده ی جایزه ی دیپلم افتخار و روبان آبی فستیوال عکاسی هنری جوانی کریسپی ایتالیا در سال ۲۰۰۴ میلادی و برگزیده ی اول جشنواره ی عکس ۲۰۰۶ چین در بخش معماری می باشد . او هم اکنون ریئس انجمن عکاسان سقز می باشد که اخیرا توسط نامبرده و گروه دیگری از عکاسهای جوان سقزی پایه گذاری شده است و حدود سی نفر عضو دارد . از اعضای اصلی این انجمن می توان به آقایان “شمال مرتضایی” ، “انور رندانی” “اردشیر سعیدی” اشاره نمود. از شاگردان او (سلیمان محمودی) “بهنام علایی” دانش آموز رشته ی عکاسی در تابستان ۲۰۰۵ موفق شد به مقام اول کشوری در مسابقات علمی کاربردی فنی حرفه ای دست یابد و به همین مناسبت بدون کنکور وارد دانشگاه شود . از جوانان علاقمند و مستعد دیگر سقزی که در رشته ی عکاسی در سطح دانشگاهی و یا به صورت تجربی در حال اموختن این هنر مدرن و کاربردی هستند می توانیم “شمال مرتضایی” و “زانیار بلوری” دانشجوی کارشناسی ارشد عکاسی را نام ببریم .

“هیوا رشیدزاده” و “بهنام رضایی” که علاوه بر داشتن ذوق عکاسی ، نقاشان خوبی هم هستند و مجدانه در راه کسب هنرهای تجسمی گام بر می دارند از دیگر علاقه مندان این هنر هستند . در خاتمه حیف است از افرادی که عکاس نبوده اما در گذشته های بسیار دور دارای دوربین بوده اند و لحظاتی بیاد ماندنی را ثبت نموده اند ، یادی نکنیم . “سید غفور حسینی” (دارای سابقه ۵۸ سال کار دندانپزشکی تجربی) که اکنون ۷۳سال سن دارند با دوربینی که متعلق به ۶۵سال پیش بوده از افراد خانواده ی خود عکس های خاطره انگیزی تهیه کرده اند که بسیاری از آنها را بی دریغ در اختیار نگارنده قرار داده اند.

حواشی:

۱- سال ورود عکاسی به ایران

۲- Photograph، عکس



۳- عمر فاروقی، نگاهی به تاریخ سقز جلد اول

۴- واسیلی نیکیتین. کردها. ترجمه ی محمد قاضی 1366 چاپ اول

۵- تاریخ مکریان، جلد اول، مرحوم افخم

Debukri -۶

Gellwaxi -۷

۸- بهمن 1325 شمسی در محل اداره آگاهی کنونی

Menmi -۹